

سلیمان میرزا - آقا شیخ ابراهیم - دکتر
حیدر میرزا - آقا شیخ رضا - میرزا یانس -
صدرالعلماء - ذکاءالملک - وحیدالملک - آقا
سید محمد رضای مساوات - آقا سید جلیل - آقا
سید حسین کزازی - حاج وکیل الرعا - دکتر
امیرخان - لسانالحکماء - منتصرالسلطان -
علی زاده - حاج شیخ علی - آقا سید حسین
اردیلی - ابوالقاسم میرزا - آقا میرزا احمد -
آقا شیخ مهدی نجم آبادی - حاج معین الرعای -
ضیاءالملک - نیرالسلطان - حاج عزالملک -
آقا شیخ غلامحسین - تربیت - دکتر اسمعیل
خان - آقا شیخ محمد خیابانی .
ردکنندگان (۳۲) نفر .

آقا میرزا اسدالله خان - حاج میرزا رضاخان
آقا میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان -
آقا میرزا قاسم خان - مشیر حضور - عزالملک
فرزانه - معززالملک - آقا شیخ علی شبرازی -
دهخدا - بهجت - ارباب کیخسرو - دکتر سعیدالاطباء
آقا سید محمد رضای همدانی - حاج سید نصرالله
معدل الدوله - آقا محمد بروجرودی - افتخار الواعظین
طباطبائی - اهتمام الملک - دکتر لقمان - شیبانی -
انتظام الحکماء - معاضدالسلطنه - ادیبالتجار -
حاج محمد کریم خان - متین السلطنه - دکتر علی
خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج آقا - آدینه
محمد خان .

با صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان
محترم و تصحیح حضرت آقای آقا میرزا قاسمخان
مقابله شده صحیح است .

جلسه ۲۵۹

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۲۹

نایب رئیس - آقای متین السلطنه سه
ساعت ونیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده
و پس از یکربع مجلس رسماً تشکیل شد
صورت مجلس روز سه شنبه را آقای آقامیرزا
ابراهیم خان قرائت نمود

آقایانیکه در جلسه قبل غائب بودند: ناصرالاسلام
بدون اجازه - معتمدالتجار - حاج شیخ رئیس
با اجازه غائب - آقا شیخ محمد حسین نیمساعت
حاج آقا (۵۰) دقیقه از حضور در وقت مقرر
تأخیر نموده لواءالدوله مریض بودند

نایب رئیس - آقای حاج آقا در صورت
مجلس فرمایشی دارند .

حاج آقا - در ضمن عرض بنده نوشته
شده است که بنده عرض کردم اخذرای بقیام و قعود
ومثل رأی علنی است و حال اینکه هر دو علنی است
وبنده عرض کردم که رأی بقیام وقعود مثل رأی با
ورقه است چنانکه در آنجا امتناع کنندگان
معلوم می شود در رأی بقیام و قعود هم باید
معلوم بشود

نایب رئیس - دیگر در صورت مجلس
ملاحظاتی هست؟ (اظهاری نشد)

دستور امروز قانون عتیقات - رایپورت
کمسیون بودجه راجع بسید حسن و میرزا اسمعیل

مجاهد - لایحه وزارت مالیه راجع بخزانه دار کل
نظر باینکه لایحه خزانه دار کل فوریتش را تقاضا
کرده اند و تصویب شده است آنرا مقدم می داریم
(گفتند صحیح است و رایپورت بعبارت ذیل قرائت شد)
کمسیون قوانین مالیه روز شنبه ۱۲ و یکشنبه ۱۳
ودو شنبه ۱۴ جمادی الثانی منعقد گردیده در باب
لایحه قانونی تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران
که بکمسیون رجوع شده بود مذاکره لازمه بعمل
آمد در جلسه یکشنبه آقایان وزیر مالیه و وزیر عدلیه
ومعاون وزارت مالیه و در جلسه دوشنبه آقای معاون
وزارت مالیه (مستر شوستر) خزانه دار کل حضور
داشتند لایحه مزبوره بترتیب ذیل اصلاح شد بمجلس
شورایملی تقدیم میشود .

نایب رئیس - عرض میکنم که این طبع و
توزیع میشود و نمایندگان ملاحظه فرموده اند گمان
میکنم دیگر خواندنش لزومی ندارد (گفتند صحیح
است) حالا مذاکره در کلیات است آقای بهجت در
کلیات فرمایشی داشتید .

بهجت - بله مخالفم .

نایب رئیس - بفرمائید .

بهجت - بدیهی است که وزارت مالیه ماهیچ
ترتیب صحیحی ندارد و باید شروع کنیم باصلاحاتش
و این را برای این عرض میکنم که آن توضیحی را که
خواهند خواست آقای مخبر و آقای معاون دیگر
محتاج بذکر آن نباشند برای این که ابدأ کسی
مخالف نیست در اینکه شروع در این مسائل شود
چون اینها از بدیهیات است وهمه میدانند و ترتیبش
هم همین است که نوشته شده است ولی یک چیزی را
ما باید بفهمیم که این دستور العمل شخصی است یا
لایحه قانونی بدیهی است که ما نمی توانیم بگوئیم
که این لایحه قانونی است یعنی یک قانون ابدی
برای مملکت ما باشد بجهت اینکه امروز چون یک
آدم عالمی در مملکت مان آورده ایم می خواهیم
یک اختیارات فوق العاده ای باو بدهیم برای اینکه
اصلاح بکند مفسداتی را که الان مبتلای آن هستیم
والا این طور نیست که اختیارات ابدأ باو بدهیم مثل
اینکه خزانه دار کل همیشه نباید بودجه مملکتی را
تهیه بکند باینجهت عقیده بنده این است که این قانون
نیست یک دستور العمل شخصی است حالا اگر چه
دستور العمل شخص نباید یک لایحه بشود و بمجلس
بیاید و باید فقط در هیئت وزران نوشته شود و بموقع
اجرا برود ولی چون این جای اختیارات فوق العاده
است که داده میشود مناسب این بود که بمجلس بیاید
باینواسطه عقیده بنده اینست که این باید مدت داشته
باشد و تصریح باسم شخص بشود برای اینکه همیشه
خزانه دار کل که نباید بودجه مملکتی را تهیه
بکند و بمجلس بفرستد پس خوب است که در تمام
موارد این ملاحظه را بکنیم که این اختیارات
محدود و معین است برای یک شخص خاص نه برای
مطلق خزانه دار کل .

معززالملک مخبر کمسیون - این که

فرمودند این قانون نیست بعقیده بنده این قانون
است و منتهی دلیلی که فرمودند این بود که اگر
تومان میبود میبایستی ابدی باشد در صورتی که

بنده عرض میکنم هیچ قانونی نیست که ابدی باشد
همیشه هر قانونی که گذارده میشود برای یک احتیاجی
است و قتیکه آن احتیاج رفع شد و مقنن دید که
دیگر آن قانون لازم نیست آن قانون را نسخ
میکند و برداشته میشود در اینجا یکی از این
اختیاراتیکه بخزانه دار کل داده میشود اختیار اجرا
است برای این که مسلم است رئیس یک اداره محض
پیشرفت کار اداره خودش باید اختیار اجرای خودش
را داشته باشد والا تصور بفرمائید یک رئیس را
در دنیا که اختیار اجرای خودش را نداشته باشد
آن وقت چکار میتواند بکند غیر از این که تولید
یک هرج و مرجی بشود و بنده بعقیده خودم مخالفم
با این که اسم برده نشود و مدتی معین نشود اما
برای چه اسم برده نشود بجهت این که شما یک
خزانه دار کلی دارید و در این لایحه قانونی یک
وظایفی را که امروزه مقتضی است برای او معین
میکنید تا این که با آن وظایف بتواند امور مالیه
شما را اصلاح بکند و البته از طرف دیگر هر
معلوم است که خزانه دار کل شما کیست و برای چه
مدتی استخدام شده است پس در این صورت که همه
اینها در خارج معلوم است ابدأ محتاج بذکر اسم
نیست و این یک لایحه ایست که هیئت دولت شما
پیشنهاد مجلس کرده است و میخواهد که وظایف
خزانه دار کل او معین بشود و اما در باب مدت که
فرمودید باید معین بشود بنده مخالف هستم بجهت
این که بدیهی است که این لایحه بمناسبت احتیاج
امروزی شما نوشته میشود پس تا قتیکه وزیر مالیه
شما محتاج این لایحه میباشد این لایحه برقرار خواهد
بود و همین که مقنن حس کرد که چه بواسطه تغییر
شخص و چه بواسطه جهات دیگر احتیاجی دیگر باین
قانون باقی نمانده است همان دقیقه هیئت وزرائی که
هست میتواند پیشنهاد بکند که این قانون نسخ بشود
و هیچ محل اشکال نخواهد بود .

هشتمین ویدی - بنده میبینم که آقای بهجت
اشکالی که کردند اشکال صحیحی بود ولی مدافعه که
مخبر محترم فرمودند بنده هیچ ملتفت نشدم و اگر
میخواهند بفرمایند توضیح بود بنده عرض میکنم توضیح
که نبود هیچ بلکه بیان ایشان یک قدری مطلب
را بیشتر مبهم کرد یعنی آن طوریکه بنده تصور
کردم این طور است حالا اگر آقایان ملتفت شده
باشند ممکن است وجهتس هم این است که ما قانون
که میگوئیم باید بدانیم که قانون همیشه کلی است
و قتیکه برای یک شخصیکه اسم او را ببرید و یک
وظایفی بنویسید آنرا قانون نمیشود گفت البته معلوم
است که در وقت قانون نوشتن نباید اسم برده شود
همان اسم خزانه دار کل نوشته شود حالا شخصش هر
کس میخواهد باشد - حالا باشد چه صد سال بعد
والته در این هم هیچ شکی نیست که قانون هم نسخ
میشود برای اینکه قانون آسمان نسخ شده است دیگر
این قانون که بالاتر از آن قانون نیست البته اینهم
باقتضای وقت نسخ میشود ولی بنده عرضی که دارم اینست که
در قانون نویسی یک قانون مخصوصیکه بعبارت آخری
یک قانون مخصوصی است برای یک اداره البته باید
آن قانون که وظایف آن اداره را معین میکند دیگر

نباید یا با اداره علیحده بگذارد باید وظایف همان اداره را که برای ارفاقون مینویسد معین بکنند و اگر ندیم کدر ضمن اینکه وظایف آن اداره را معین میکند تخطی کرد با اداره دیگر آنوقت خواهیم گفت که آن مقنن و قانون گذار جاهل بوده است یا ملتفت موضوع نشده است بواسطه اینکه چنانچه مادر مجلس وقتیکه مذاکره میکنیم از هما مطلب که مطرح نشده است صحبت میکنیم و از بعضی چیزهای دیگری که متعلق بآن موضوع باشد و اگر غیر از آن صحبت کردیم خارج از موضوع است همین طور هم مقنن وقتیکه برای یک موضوعی قانون مینویسد نباید تخطی بموضوع دیگری بکند والا اگر آن موضوع را معین کردیم و در ضمن از موضوع دیگر صحبت کردیم آن وقت این قانون نیست سهل است بلکه قانون گذار هم ملتفت این موضوع نشده است که چه مینویسد و بنده موافق نیستم بهیچیک از این مواد وجهتش هم اینست که از اول تفسیر خزانه دار را غلط تفسیر کرده است و از حالا اجازه میخواهم که تمام این مواد عرایض خودم و مخالفت خودم را اظهار بکنم مثلاً اینجا من باب مثل چون مذاکره در کلیات است عرض میکنم که یک تفسیری از خزانه دار کل کرده است که میبینیم خزانه دار نیست و معنیش اینست که این آخذ مالیات هم خواهد شد و همینطور سایر کارهای دیگر والا خزانه دار وظیفه اش این است که چیزیکه وارد آنجا شد بحکم دولت ضبط بکند نگاه بدارد دیگر چه وارد شد که وارد کرد بکه داد ربطی ابدأ باوندارد باید هر چه از طرف دولت وارد خزانه شد بداند او را نگاه بدارد یعنی آنچه که وارد خزانه میشود که عبارتست از عایدات دولت آن را نگاهداری نماید و حساب آن را نگاه دارد که در تحت نظارت و اداره من چه چیز وارد شده است و بعد از طرف دولت هر قدر حواله باو شد دیگر حق ندارد بدلت بگوید چرا این حواله را کردی بتوجه تو خزانه دار دولت هستی باید هر چه دولت حواله داد بدی و اگر مخارجی فوق العاده پیدا شده است و مجلس هم تصویب کرده است حق تو است باید حواله او را بدی نه حق تفتیش دارد نه حق محاسبات این آخراش این میشود که ماتام ادارات را میخواستیم برچینیم و اینرا رئیس همه ادارات بکنیم پس این را دیگر خزانه دار نمیشود گفت و اگر مقصود خزانه دار است که تفسیرش را غلط کرده اند و باین جهت بنده با تمام این مواد مخالف هستم و در هر یک از آنها عرایض خودم را اجازه میخواهم که عرض کنم.

معاون وزارت مالیه - بنده تصور میکردم

بعد از آنیکه این لایحه از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شد کمال مساعدت از طرف مجلس خواهد شد و حالا میبینیم که بعضی از آقایان مخالفت میکنند و خیلی اسباب حیرت بنده شده است اولاً گفته شد که معلوم نیست این قانون هست یا دستور بنده عرض میکنم هیچ فرقی مابین قانون و دستور نیست هر چه که از مجلس شورای ملی بیرون برود اسم او هم قانون است هم دستور و تفاوت نمیکند که اسم این لایحه را قانون بگذاریم یا دستور هر چه میگوئید میتوانست علی ای حال این یک لایحه یا یک قانون یا یک دستور است که وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد کرده است که اگر

مجلس اورا تصویب کرد مگری بدارد و اما اینکه آقای هشرودی فرمودند که این وظایف و وظایف خزانه دار کل نیست صحیح فرمودند وزارت مالیه و هیئت وزراء هم چون میدانستند که این وظیفه خزانه دار کل نیست از این جهت این لایحه را پیشنهاد مجلس کردند و خواستند که این اختیارات را بمجلس تصویب نماید بعد از اینکه بنامند و خواستید یک تشکیلات و اصلاحات در امور مالیه خودتان بکنید مجبورید تمام این اختیارات را بطوریکه در مواد بعد مذاکره خواهد شد بشخص خزانه دار کل بدهید تا اینکه بتواند با آزادی و استقلال امور مالیه شما را منظم بکند و در تحت یک قاعده و قانونی بیرون بیاورد و گمان میکنم که این لایحه هم خارج از ترتیب امور مالیه نباشد برای اینکه هر ماده اش را که ملاحظه بفرمائید یا راجع بعایدات دولتی است یا راجع بمصارف اوست و تمام اینها هم مربوط است باصلاحات امور مالیه و یک ماده هم راجع است ببودجه و تهیه آن و اینکه بتواند جرح و تعدیل در آن بکند آنهم که در تحت نظر وزارت مالیه است که آنرا تهیه و مرتب میکند و بهیئت وزراء پیشنهاد مینماید و از طرف هیئت وزراء پیشنهاد میشود بمجلس مقدس و باز بسته است بتصویب مجلس پس در واقع این اختیاری نیست که فوق العاده و خارج از قانون باشد.

دکتر حاج رضاخان - بنده ابتداء برای

اینکه سوء تفاهمی نشده باشد مقدمه مجبورم عرض کنم که بنده نظر ندارم باین که خزانه دار در خارج کیست و فقط بعنوان اینکه یک خزانه دار کلی در این لایحه ذکر شده و یک موادی پیشنهاد شده است برای تعیین وظایف خزانه دار کل باینجهت مخالفم بالا لایحه والا گمان نمیکنم که بنده هم کمتر از آقایان جدیت داشته باشم برای اصلاح مالیه مملکت و آن تجربه هائیرا هم که تا کنون کرده ایم بما بخوبی میفهماند که نباید فقط با اسم اصلاح مالیه اقتدارت غیر لازمه بدهیم اینست که عرض میکنم که مایک قانون محاسبات عمومی و یک قانون دیوان محاسبات و یک قانون اساسی داریم و بحرارت نمیتوانیم بمحض اینکه دیدیم یک چند روزی کارها از پیش ما خارج شد بیائیم مواد یک قانون را که شش ماه زحمت کشیده شده است تا اینکه از مجلس گذشته است نقض بکنیم در قانون محاسبات عمومی مینویسد هر وزیر مکلف است بودجه سالیانه خود را تهیه کرده بوزارت مالیه تسلیم کند و وزارت مالیه هم مکلف است که بودجه مملکتی را تهیه و مرتب و بمجلس پیشنهاد بکند و اینجا هم نوشته است که خزانه دار کل مکلف است بودجه مملکتی را تهیه بکند آیا این دو ماده با هم متناقض هست یا نیست (گفته شد متناقض نیست) همین طور در قانون دیوان محاسبات و قانون اساسی تفتیش در مالیات مملکت نظارت در محاسبات و عایدات از وظایف دیوان محاسبات است و در اینجا مینویسند که بعد از خزانه دار کل است بنده بنظرم همچو میآید و اینرا هم عرض میکنم که ممکن است این نظر بنده از روی اشتباه باشد و همینکه رفع اشتباه باشد قانع بشوم والا بنده یقین ندارم که این عرایض را که عرض میکنم ضمناً همین است بلکه برای

اینکه در این کرسی نطق قسم خورده ام مکلفم باینکه تا یک مطلبی را که مطرح میشود خوب نفهمم رای ندهم و تا وقتی هم که ملتفت نشده ام مجبورم که آنچه بنظرم میرسد عرض کنم و البته وقتیکه قانع شدم بنده هم همراه خواهم شد بنده عقیده ام اینست که دوسه ماده از این قانون برمیخورد بقانون محاسبات عمومی و دو سه ماده از این برمیخورد بقانون استخدامی که یک شور آن شده است و یک شور دیگر آن مانده است و از آنطرف آقای مخبر میفرماید که البته رئیس باید اختیار اجزاء ادارات خود را داشته باشد و بنده برعکس عرض میکنم که هیچ رئیس باو اختیار تام داده نمیشود و اگر اینطور نباشد پس قانون استخدام برای چه چیز نوشته میشود البته مستخدم باین ترتیبی وارد میشود و با یک ترتیبی خارج میشود ولی آن ترتیب را قانون باید معین میکند نه اداره اشخاص و هیچ نمیتوان در یک جا اختیار تام داد و در یک جا ضد آنرا تصویب کرد و شخص رئیس هم مرض نمیکند که خارجه باشد یا داخله مایک روزی برای اصلاح مفساد مملکت بیک وزیر میخواستیم اختیار بدهیم از هر طرف صداها بلند میشد و ضدیت میکردند حالا نمیدانم چطور شده است که برای یک نفر خزانه دار کل هر چه پیشنهاد میشود قبول میکنیم برای اینکه اصلاحات فوری باید بشود طول کشیده است در صورتیکه اینطور نیست و طولی هم نکشیده است باین جهت بنده باین مواد و دادن این اختیارات مخالفم و عرض میکنم یا اسم این شخص را باید گذاشت (رفورماتور ژنرال) اصلاح کن یا اداره کن مثلاً با معاون اداری و آنوقت هر چه که وظیفه اوست باو بدهیم ولی اگر فقیه خزانه دار کل باید موادیکه برای تعیین وظایف او نوشته میشود تمام مطابق بکند با اسم خزانه دار کل هیچوقت حق ندارد که مداخله بکند در سایر ادارات بکند پس خوب است یک اسم دیگری باو بدهیم در صورتیکه بنده خوب بخاطر دارم وقتی را که اینجا رأی دادیم و یک نفر مستخدم با اسم رئیس خزانه خواستیم و تصریح کردیم مخصوصاً که این رئیس خزانه است علاوه بر این چهار نفر دیگر هم خواسته ایم بسمت کارهای دیگر حالا از کجا حس کرده ایم که تمام اصلاحات ادارات ما بتوسط همین یک نفر خواهد شد و اگر اینطور است که وزراء یقین دارم که تمام اصلاحات بتوسط همین یک نفر خواهد شد پس خوب است تمام دست از وظایف و کارهای خودشان بکشند و تمام کارها را باو رجوع بکنند که اصلاح بکنند در هر صورت بنده باز عرض خودم را تکرار میکنم که یا وظایف خزانه داری کل را باین شخص بدهید و اگر میخواهید که کارهای دیگر هم بکند و مداخله در سایر ادارات شا بکند خوب است یک اسم بالاتری را باو بدهید و آن وقت تقاضای اینوظایف و بالا تر از اینرا بکنید.

معزز الملک - من تصور میکنم که

ابتداء اگر یکوقت بفرمائید تمام اشتباهات رفع خواهد شد برای اینکه این اشتباهات تمام حاصل می شود از کلمه خزانه دار کل ولی چرا نظر تان می رود بیک نفر خزانه دار کل چرا نمیروید بیک (میسون) یک هیئت و یک رئیس (میسون)

که رئیس هیئت مستخدمین مالی شما است شما خزانه دار تنها که نخواستید شایک هیئت را برای اصلاح مالی خودتان خواسته اید و یکسفر آنکه رئیس این (میسون) و این هیئت است تکلیفش خزانه داری کل است و در واقع این لایحه که اینجا پیشنهاد شده است برای خزانه دار کل نیست برای آن هیئت و آن (میسون) است که برای اصلاح مالی این مملکت استخدام میشود پس اینرا ابتداء در نظر بگیرید آن وقت داخل مذاکرات بشوید فرمودند که قانون دیوان محاسبات و قانون محاسبات عمومی داریم و این مخالف است با بعضی از مواد آن بنده منکر این هستم بحرف که نیست شما میگوئید فلان ماده این مخالف است با فلان ماده قانون محاسبات عمومی یا قانون دیوان محاسبات بنده عرض میکنم که اولاً مخالفتی را که شما تصور می کنید از این لایحه ظاهر نمیشود ثانیاً مجلس شورا بعد از آنکه حس کرد که این منافعی است با آن مواد در این صورت هم باز ممکن است که این لایحه را رای بدهد و آن مواد را نسخ بکند و حالا اینست که بنده قانون محاسبات عمومی با قانون دیوان محاسبات مطالعه نکرده باشم بلکه مطالعه کرده ام و عرض میکنم که این لایحه هیچ مخالفتی با مواد آن نخواهد داشت برای اینکه شما میفرمائید در قانون محاسبات عمومی تکلیف و ترتیب تعیین بودجه را معین کرده است رجوع می کنیم بقانون محاسبات عمومی ببینیم چه تکلیفی برای بودجه معین شده است در آنجا وقتیکه تکلیف وزیر را معین میکند میگوید تهیه بودجه هم یکی از تکالیف وزارت مالی است ولی هیچوقت نمیگوید که حتماً وزیر مالی شخصاً بدست خودش قلم بردارد و بودجه را بنویسد مرتب بکند و هیچ لزومی هم ندارد بجهت اینکه ممکن است يك وزیر مالی باشد که هیچ نداند تهیه کردن بودجه یعنی چه از این گذشته خوب است قدری تأمل بشود در اینکه این لایحه چه چیز است و از طرف کی پیشنهاد شده است این لایحه از طرف يك هیئت دولتی پیشنهاد شده است امضاء کنندگان این وزیر مالی است وزیر مالی هم آن حق را که برای او معین شده است بیکی از مأمورین خودش واگذار می کند که انجام بدهد و در همه جا همینطور است مثلا همینکه تعیین بودجه از تکالیف وزارت مالی باشد آیا خود وزیر مالی می نشیند بودجه را بنویسد یا بطور نیست وزیر مالی مأمورینی دارد که مأمور این کارند و مشغول هستند وقتیکه تهیه کردند میآورند وزیر مالی هم نظرات خودش را در آن میکند بعد از آن بتوسط هیئت دولت آنرا بمقام مقنن تقدیم خواهد کرد پس باین دلایلی که عرض کردم معلوم شد که هیچ مخالفتی با قانون محاسبات عمومی نخواهد داشت بلکه باید تفکیک کرد مسؤلیت تهیه کردن بودجه مملکتی را که وظیفه وزیر است از ترتیب دادن و تهیه کردن آن که با خزانه دار کل است آنوقت عدم مخالفتی که عرض کردم بخوبی ظاهر خواهد شد فرمودند که دوسه ماده این لایحه برمیخورد بقانون دیوان محاسبات مثلا در خصوص نفتیش در عایدات و غیره خیلی عجب است اگر شما يك ماده در قانون دیوان محاسبات داشته باشید که بگوید دیوان

محاسبات مکلف بتفتیش در مالیه مملکت است در اینهم چه فهمیده میشود که دیگر هیچ اداره نباید تفتیش بکند وظیفه دیوان محاسبات تفتیش است ولی وزیر هم مأمور تفتیش است خزانه دار کل هم مأمور تفتیش است هشت نفر دیگر هم مأمور تفتیش است و بهیچوجه هم منافاتی باهم نخواهند داشت و هیچیک از مواد قانون دیوان محاسبات نقض نمیشود مگر چه ضرری خواهد داشت که عوض اینکه يك تفتیش بشود سه تفتیش بشود که مالیه مملکت از تقریب شدن بهتر محفوظ بماند یکی از ایراداتشان هم بجهت مخالفت با این لایحه قانونی استخدام بود یعنی يك قانون موهومی که هنوز از مجلس ننگذشته است يك قانونی که هنوز من نماندم اگر بگذرد نافع خواهد بود برای مملکت یا اینکه مضر است پس يك قانونی که از روی کمال بی اعلای نوشته شد، است و معلوم نیست کی خواهد بمجلس آمد و خواهد گذشت آیا ممکنست که این قانون را موکول بگذشتن آن کرد و اگر باین ترتیب باشد شاید بعد از بیست سال دیگر يك قانون دیگری بمجلس بیاید و این مخالف او باشد پس هیچ قانونی نباید وضع شود اینطور که نمی شود بلکه باید این لایحه را گذراند بعد اگر فرضاً يك قانون استخدام هم بمجلس آمد ممکنست باین قانون مطابقت کرد نه این که اینرا بگذرانیم از برای آنکه با آن قانون مطابقت بکنیم و اگر هیچیک از این دلایلی که عرض کردم نمی بود امروز این مسئله بمنزله دوله شده از بود یکی اصلاح مالیه و یکی مقید شدن و جمودیت بطواهر قوانین در صورتیکه من تصور میکنم که تمام این قوانین و تمام این اقدامات هیئت دولت و مجلس شورا برای يك مقصود و برای اصلاح مملکت است که در اینجا اصلاح مالیه است بهتر طریق که میسر میشود با وجود اینکه گفتیم مخالفتی با قانون محاسبات عمومی و قانون دیوان محاسبات در این لایحه نیست بنده باندازه سهم خودم حاضر هستم که بگویم اگر هم بر فرض مخالفتی باشد آن دو قانون هست که منافعی با این لایحه هست قسح بشود و اینقانون برقرار شود.

نایب رئیس - بعضی از آقایان که موافق بودند و اجازه خواستند چون آقایان مخالفین که مذاکره کردند معاون و آقای مخبر دفاع کردند از اینجهت نوبت بایشان نرسید اینست که حالا يك دور اسامی آقایان را اجازه خواسته اند میخوانم هر کس مخالف است اظهار نمایند (گفتند مذاکرات کافیت) پس رای میگیریم **نایب** آقایان که مذاکره در کلیات این لایحه را کافی میدانند و تصویب میکنند که داخل شور مواد بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت است ماده اول خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده (۱) - خزانه دار کل ممالک محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات تمام مخارج دولتی میباشد.

هشردی - بنده خواهش میکنم که آقایان همچو صحبت نکنند که موهم این باشد که

بگوئیم که چون تو خزانه دار بودی مسؤلیت بعهده تو است چون تو خزانه دار بودی وقتی هم که حواله کردند تو هم باید بدی اما وقتیکه گرفتند بردند خوردند تو مسؤلی این در هیچ جای دنیا یعنی در تمام کره زمین این قسم خزانه دار معنی نمیشود معنی خزانه دار اینست که آنچه در تحت بدش هست البته باید آنرا حفظ بکند و بعد از اینکه با حواله شد بموجب همان حواله بصاحب حواله برساند حالا آنها بردند خوردند دخل بخزانه دار ندارد خودشان می دانند با آنها و همچنین مأمور نظارت مستقیم است تمام معاملات دولتی که پول دولت ایران است ایشان هم بنده یا نمیفهمم یا اگر فهمیده ام يك توضیح میخواهد که درست بفهمم که مأمور نظارت مستقیم یعنی چه اول لفظ مستقیم و بعد لفظ واقعی را توضیح بفرمائید تا بعد نظریاتی که دارم عرض کنم با حرارت هم لازم نیست.

حاج آقا - باید آقایان فراموش نکنند آن نظراتی را که روز اولی را که ما میخواستیم مستخدمین خارج را بجهت ادارات خودمان استخدام کنیم از چه نقطه نظر بود آن نقطه نظر را امروز ملتفت باشید بعد هر گونه اظهاراتی و ایراداتی دارید در این لایحه بکنید و ما بعد از اینکه احساس کردیم ادارات دولتی ما مرتب شدنش و جرح ادارات براه افتادن مبنی بر اینست که يك عده را از خارج یعنی کسانی که متخصص هستند از خارج بیادیم که از علمیت آنها استفاده کرده باشیم و ترتیب اداراتمان مرتب باشد این احساس را که کردیم و دانستیم که يك همچو مردمانی باید بیایند و ترتیب امورات ادارات را مرتب بکنند آن وقت تصدیق کردیم مطابق آن موادیکه در مجلس تصویب شد جماعتی را بجهت اصلاحات از جمله مستخدمین امریکائی بودند که بجهت بزرگترین ادارات دولتی که مالیه ایران باشد برای آن استخدام کردیم برای اصلاح مالیه این هیئتی که استخدام شدند همینطور که بیان شد رئیس آنها يك شخصی است که ماورا باسم خزانه دار کل استخدام کردیم از آمریکا بآن مبلغی که استخدام شده اند و آمده اند یعنی يك صرافی باشد که بیاید اینجا بنشیند و يك پولهای بدست او بدهند و بعد حواله بدهند باو که این پول را باین اشخاص بدهید آنهم يك جمعی بنویسد که صد هزار تومان پنجاه هزار تومان حواله شد بمن و منم مطابق این صورت بفلان حواله و فلان حواله دادم اگر مراد اینست که بنده تعجب میکنم که ما يك چنین افتخاری کنیم و يك حرارتی بخرج بدهیم در مجلس شورای ملی برای اینکه يك صرافی را استخدام بکنیم که بیاید اینجا بنشیند و يك پولهای بدست او بدهند و بعد حواله بدهند که ما باید این را هر صرافی گمان میکنم که میتواند ما باید این معنی را تصدیق کنیم که ترتیب امور ما باید مرتب شود بدست علمائیکه وقتیکه واردشان میکنیم در ادارات اختیار بدستان بدهیم و نخواهیم از يك کسی که استخدام میکنیم از اقصی بلاد عالم و بیادوریم بایران از برای اینکه صرافی بکند ما این مأمورین امریکائی را آورده ایم بجهت اینکه امور مالیه ما را مرتب نمایند اختیار تام که سهل است اختیارات ما باید بدهیم در تحت مسؤلیت با آنها همچنین نه تنها این مستخدمین امریکائی بلکه هر مستخدمینی را که میخواهیم

بیاوریم برای ادارات دیگر هم باید این اختیارات را بدست آنها بدهیم و نخواهیم از آن ها که مرتب کردن اداره را که تحت نظر آنهاست ما این مستخدمین امریکائی در آورده ایم برای اینکه مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات و تمام مخارج دولتی میباشد بدیهی است يك خزانه دار وقتیکه بخواهد امور مالیه دولت را مرتب بکند باید کمال دقت را در تمام جزئیات معاملات مالیاتی که دولت داشته باشد و جزء واردات دولت است داشته باشد و همچنین کمال اختیار را در آن چیزیکه راجع بخرج دولت است داشته باشد تا بتواند بآن اختیاریکه در این امور دارد ترتیب ادارات مالیه دولت را بدهد و جلو گیری کند از حیث و میل مالیات دولتی اگر يك خزانه داری بداند و اختیار نداشته باشد در اخذ وجوهی که گرفته میشود و در اخذ مالیات و در خرجیکه میشود نظارت نداشته باشد چطور می تواند اصلاح مالیه مملکت را بکند بهیچوجه نمی تواند این خزانه دار بی اختیار زمام امور مالیه مملکت را بدست بگیرد و جلو گیری بکند و مثل سابق خرج و مرج اداره مالیه را مرتفع کند که مثل سابق نباشد که هیچ معلوم نبود که ا کجا گرفته میشود و بکجا داده میشود شمال البته دیده بد و ملتفت شده اند که تمام بدبختی مملکت مادر اینست که تمام مالیات که از رعیت بیچاره گرفته میشود بعنوان مالیات چه مستقیم و چه غیر مستقیم بجهت مصارف مملکت معلوم نبود که اولاً بچه طریق گرفته میشود و بعد معلوم نبود که بچه ترتیب مصرف میشود باید يك کسانرا بیاوریم اینجا که معلوم شود این پول را که موکلین ما بدو می دهند برای اصلاح مملکت چطور می دهند و بکجا مصرف میشود برای این اینها را آورده ایم برای چیز دیگری نبود ما اگر بخواهیم باین مطلب موفق بشویم بمقصد خودمان البته باید يك خزانه داری که از او می خواهیم که زمام امور مالیه را بدست بگیرد و جلو گیری از افراط و تفریط مالیات مملکتی بکند باید اختیار بدهیم باو که نظارت تام داشته باشد در تمام ادارات مالیاتی چه در واردش چه در صادرش در تمام اینها يك نظارت و تفتیش کامل و يك اختیار تامی داشته باشد تا اینکه آن ترتیبیکه سابق بود جلو گیری شود و جلو بری شود از اختیارات تامی هر کس در مالیه مملکت داشت اگر ما خواسته باشیم موفق بشویم باصلاح بنده گمان میکنم باین موادی که در این لایحه نوشته شده است در هیچکدام نباید مخالفت کرد بجهت اینکه این چیزیکه اینجا نوشته شده راجع بدخل مملکت است و راجع بخرج مملکت و این تقاضائیکه شده است از طرف وزارت مالیه اینست که این شخصی که این اصلاحات را می خواهد بکند نظارت در دخل و خرج مملکت داشته باشد که این وجوه بمصرف صحیح خودش برسد و بنده گمان میکنم که بعد از این نقطه نظر و ملاحظه که از اول داشتیم در استخدام اینها با این لایحه مخالفت جائز نباشد البته آن اشکالاتی که آقایان می فرمایند از نقطه نظر صحیحی است و البته دشمنی که با اصلاحات مملکت ندارند و کسی هم که چنین توهمی نمیکند لکن عرض میکنم باید فراموش نکنیم نقطه نظر اولیه خودمان را و هیچوقت نباید جمود داشت بطراهر الفاظ و تصور

میکنم وقتیکه گفتیم یکسفر رئیس خزانه یعنی خزانه دار کل جمود داشته باشیم باین اندازه که فقط باو تحویل بدهیم يك وجوهی را و باو حواله بدهیم يك صرافی باشد اگر این طور باشد هرگز موفق باصلاحات مملکت نخواهیم شد این مستخدمین که سهل است هر مستخدمی که بیاوریم باید اختیار بآن ها بدهیم در اداره خودشان و آن طوریکه از آنها اصلاحات را میخواهیم باید با آنها اختیار بدهیم و این چیزیکه طبیعی است از برای کسیکه میخواهد اصلاح مالیه مملکتی را بکند از طرف وکلای ملت يك اختیار در امور مالیه باو داده شود.

بهرجت - هیچ ما فراموش نکرده ایم که استخدام مستخدمین امریکائی برای چیست این بدیهی است که آنها را آورده ایم برای اصلاحات مالیه مملکت و این مسائل را هیچ نباید مذاکره کنیم برای اینکه شک ندارد که این مستخدمینی که آورده ایم برای چه آورده ایم و علاج اصلاحات هم همین است و لاغیر ولی حالا یک مسئله است که آمده است بمجلس اگر میفرمائید هیچ نگوئیم و حرف نزنیم و اشتباهات خودمان را نگوئیم و اشتباهات خودمان را حل نکنیم این يك مسئله است اگر یک مسئله بیاید که عامیانه بگذرد و هیچکس اشتباهات خود را نگوید چطور میتواند اورای بدهد من یکی از آن اشخاص هستم که نمیفهمم و باید آنها را که فهمیده اند بفرمایند تا بفهمم.

نایب رئیس - چون دومرتبه تکرار شد لازم است که عرض کنم و اینجا کسی نگفت که کسی نظرات خودش را نگوید البته هر چه بنظر تان میرسد بفرمائید.

بهرجت - در شور کل بنده عرض کردم که اگر آقای مخبر متوجه بآن عرض بنده میشدند بنده میتوانستم قانع بشوم در صورتیکه رفع اشکال بنده را نفرمودند و دیگر در مواد عرض میکنم بنده میتوانم اختیارات تام را بدهم به مستخدمین امریکائی نه بهر خزانه داری کل شما میگوئید این قانون است این قانون نیست اگر این قانون است چرا این قانون را برای خزانه دار کل دهر روز قبل ننوشید اگر برای هر خزانه داری نیست و مقصود این شخص است از برای اینکه هر خزانه دار کلی دارای این اختیارات نشود بنده از همان نقطه نظر است که عرض می کنم خوبست نقطه نظر ناطق را ملتفت بشوند و آنوقت جواب بگویند اینجا نوشته است مسیوستر - نوشته است خزانه دار کل و ممکن است يك وقت ما برای يك کار مهمی مثلا برای نقشه راه آهن لازم داشته باشیم مسیوستر را که مأمور کار دیگری بشود آنوقت نوشته ایم خزانه دار کل دارای این اختیارات است آنوقت خزانه دار که بعد خواهد آمد همین اختیارات را باو خواهیم داد یا نخواهیم داد امروز مملکت ما مالیه ندارد خزانه دار هم ندارد ما امروز اینها را آورده ایم که برای ما این ادارات را بسازند ما هم باید ترتیبات او را بدهیم و البته اینها را خواسته ایم که اصلاح مالیه ما را بکند بنده هم اینرا اقرار دارم اگر در جواب بنده میفرمائید که آنها را احتیاج داشته ایم آ رده ایم بنده هم همین را عرض میکنم که تمام این اصلاحات

انشاء الله بدست همین وزراء و همین مستخدمین امریکائی که آمده اند رفع مشکلات ما را بکنند خواهد شد ولی این اختیارات را نمیخواهیم بدست هر خزانه - داری بدهیم و اینجا هم که نوشته شده است وظیفه خزانه دار کل نیست خود آقایان هم اقرار خواهند کرد که ما این اختیارات را میخواهیم بدست این شخص بدهیم که اصلاح مالیّه ما را بکند و اینکه گفته شد هر چه از مجلس بگذرد قانون است اینطوری نیست اگر نظرش کلی بود قانون است اگر نظر خاص داشت آنوقت يك لاجه خاص و يك دستوری میشود باین ملاحظه بنده فقط لفظ خزانه دار کل را نمیتوان تصویب بکنم که این اختیارات را هر خزانه - داری داشته باشد و بعلاوه يك جزئی را آفتاب مخیر برای بنده توضیح بدهند که نظارت مستقیم یعنی چه نقطه نظر بنده این بود که در این دوازده ماده میتوانیم برای يك شخص معین بدهیم و نمی - توانیم بمطلق اشخاصیکه خزانه دار کل هستند این اختیارات را بدهیم .

معاون وزارت مالیه - معلوم میشود که

آقای بهجت مخالفتی ندارند و در معنی همراه هستند منتهی در موضوع يك اشتباهی شده است که در موضوع اختیار تام است که بنده مکرر شنیدم که گفته اند و هی اظهار میشود اختیار تام و حال آنکه هیچ همچو چیزی نیست برای اینکه اگر يك چنین چیزی بود و اختیار تام میخواست فقط يك ماده پیشنهاد مجلس میکرد که يك اختیار تام بمن بدهید که در تشکیلات وزارت مالیه هر نوع تصرفات میخواهم بکنم آنوقت اختیار تام میشد لکن حدود خودش را در ۱۲ ماده پیشنهاد مجلس کرده و تکلیف خودش را کسب میکند اگر شما باو میدید رفتار میکند و اگر نمیدید این اختیاراتیکه خواسته است و هر دستوریکه بدهید بآنها رفتار می کنند پس این يك چیزی نیست که او را اختیار تام بگویند فقط در ماده اخیرش اختیار اعضاء را خواسته است و اینهم بدیهی است يك شخصیکه مسئول کاری است باید اختیار عزل و نصب اجزاء خودش را داشته باشد که بتواند ترتیبات اداری خودش را مجری نماید اما اینکه فرمودید بهر خزانه دار کلی نمیتوانیم این اختیارات را بدهیم این صحیح است ولی مجلس هر وقت دید که يك خزانه دار کلی برخلاف این قانون که نوشته شده رفتار کرد فوراً يك ماده میشود و این را نسخ خواهد کرد و هیچ لازم نیست که اسم برده شود هر وقت خزانه دار کل مطابق این قانون رفتار و عمل کرد که شما او را میپذیرید هر وقت که برخلاف دستور مجلس رفتار کرد فوراً يك ماده يك طرح پیشنهاد شود از طرف يك نماینده یا يك لایحه از طرف وزراء که این قانون از این ساعت بصد نسخ خواهد شد و این اختیار را مجلس هم وقت خواهد داشت

معزز الملک - يك نکته از بنده سؤال شد جواب عرض میکنم اولاً در خصوص این که اختیار اجزاء با او باشد فرض عزل و نصب اجزاء است که بتواند يك عضوی را که از عهده وظایف خودش بر نیاید بتواند او را بر دارد و دیگری را که کفایت دارد بجای او بگذارد و اما این که نظارت

مستقیم فرمودند مجلس شورای ملی و وزیر مالیه و دیوان محاسبات تمام اینها نظارت دارند ولی چیزیکه هست مجلس يك نظارت مستقیم ندارد که برود بدفتر و حساب رسیدگی بکند وقتیکه میگویند نظارت مقصود اینست که او شخصاً داخل در نظارت است اگر همین قدر می نوشتند که او نظارت دارد ممکن بود بعضی از آقایان بگویند خزانه دار کل میخواهد که اختیار مجلس شورای ملی را هم بگیرد بجهت این که این اظهارات نشود فرق باشد بین نظارت مستقیم و غیر مستقیم نوشته شده نظارت مستقیم .

نایب رئیس - مذاکرات در اینخصوص

گویا کافی است (اغلب اظهار کردند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - پیشنهادی از آقای شبانی

شده است قرائت میشود .

(بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از کلمه مجروسه ایران نوشته شود (در تحت ریاست وزیر مالیه الی آخر) احمد شبانی

آقای شبانی از کثرت وضوح چندان لازم نباشد بجهت این که این جا وظیفه برای وزیر مالیه نمیخواهیم معین کنیم این حدود و وظایفی است که برای خزانه - دار کل میخواهیم معین کنیم و البته این لایحه که این جا میگردد ناسخ سایر قوانین ما که نخواهد بود و البته ما از برای وزرای خودمان در حوزه اختیاراتشان يك وظیفه معین کردیم البته وزیر مالیه وقتیکه مسئول شد مستلزم مسؤلیت او نظارت و رسیدگی است والا هیچ نمیشود گفت که يك وزیر مالیه مسئول امور مالیه مملکت است بدون این که هیچ مداخله در کار بکند البته این بدیهی است وقتیکه این نظر را داشته باشیم آن وقت این پیشنهاد توضیح واضحات است البته خزانه دار کل هر اصلاح و اقدامیکه بخواهد بکند با تصویب وزیر مالیه خواهد بود و این قید بکلی این جا زیاد است و لازم نیست .

شبانی - بنده هم اینرا متذکر بدم که

تقریباً توضیح واضحات است ولسی چون بعضی از آقایان اشکال کردند خواستم این توضیح واضح را کرده باشم تا این که سایر آقایان هم که در معنی موافقت با این مواد ظاهری هم همراه بشوند که يك رائی با تقاضا حاصل شود و این اختلافات رفع شده و این لایحه زودتر بگذرد زیرا تصور میکنم که اگر آنچه نوشته کم و زیاد بکنیم و این اختیاریکه نوشته شده بنده خزانه دار کل ندیمه موقوف باصلاحات نشویم .

معاون وزارت مالیه - بنده تکرار میکنم

اظهارات آقای معزز الملک را و عرض میکنم این عبارت را که میخواهد اینجا اضافه کنید توضیح واضح است و عرض میکنم وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت است در مقابل مجلس مطابق نص صریح قانون اساسی و آن کسیکه مستخدم وزارت مالیه است مسئول وزارت مالیه است پس معنای این لایحه متضمن این پیشنهاد آقای شبانی است و محتاج توضیحی نیست

شبانی - پس بنده پیشنهاد خودم را استرداد میکنم و اصراری ندارم .

نایب رئیس - پس حالا پیشنهاد را مسترد داشتند رأی میگیریم باصل ماده آقایانی که ماده اول را بترتیبی که اینجا نوشته است تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با کثرت (۶۰) رأی تصویب

شد. ماده دوم را بخوانید (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده دوم - خزانه دار کل مکلف است تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار نماید

(يك) اداره کل دریافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتهائی که در آتیه برقرار خواهد شد (دو) اداره کل تقش و نظارت و محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجه بآنها .

(سه) اداره کل معاملات نقدی که کلیه معاملات دولت با بانک و اعمال راجه بضر بسکه و صرافى - و استقرض و مرابحه و استهلاك و استعجاله و امتیازات و قرار دادهای مالیه اعم از اینکه قراردادهای مزبور عایداتی برای دولت تحصیل نموده یا متضمن تمهیدات مالیه از طرف دولت باشد با رعایت قوانین مقرر راجع بآن اداره خواهد بود .

معاون وزارت مالیه - اینجا يك واو را انداخته اند در فقره دوم و محاسبات این واو را اضافه کنید .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالف در کلیات این لایحه بدم اجازه خواستم مذاکره کافی بود در ماده اول هم نوبت بنده نرسید در این ماده عرض خودم را میکنم نظریات آقایان بطور اجمال معلوم شد اشکالی هم که در این قانون شده است نه از راه نظری و اشکال است نه این مستخدمین و جلوگیری از اینها خیر این نیست اشتباه نشود آقای بهجت فرمودند که این عده را ما خواسته ایم که مالیه ما را مرتب بکنند این اختیارات را هم بآنها میدهم و این اختیارات باید طوری نباشد .

نایب رئیس - مذاکره که میفرمائید در کلیات

است و اینجا موضوع ماده دوم است که این تشکیلات را خزانه دار کل باید بدهد یا نه .

حاج شیخ اسدالله - بله از بابت همین

خزانه دار کل است که این اختیارات نباید باو داده شود که این تشکیلات را وزارت مالیه معین بکند و این را از وظایف خزانه دار کل می شمارد و بدون اینکه معین بکند خزانه دار کل چه کسی است و دارای چه شغلی است همین شخص معین باشد یا اینکه خزانه داری میتواند این اختیارات را داشته باشد اینجا آقای معاون و جناب مخیر فرمودند که میتوانیم بعد از اینکه کسرات آقایان سر آمد یا نخواستند مشغول خدمت شوند با کمال اطمینانیکه بآن ها داریم که مملکت ما را خوب میتواند اداره کنند يك شخص دیگر آمد و دخیل این کار شد و ما اطمینان کامل در حق او نداریم .

نایب رئیس - گویا عرض بنده التفات فرمودید مذاکره در ماده دوم است نه در کلیات سر کار در این تشکیلات مخالف هستید یا خیر ؟

حاج شیخ اسدالله - بله با این تشکیلات که آنجا نوشته اند مخالفم که

خزانه دار نباید این تشکیلات را بدهد اگر این شخص معین باشد این تشکیلات را بدهد موافقم و اگر مطلق خزانه دار کل باشد که هر کس خزانه دار کل بود این تشکیلات را میتواند بدهد مخالفم

حاج عز الملک - اینجا باید رفع اشتباهی

بشود اینکه تکرار میشود چرا اسم خزانه دار کل را ننوشته است اینرا بیکدوری فکر کنند رفع اشکال میشود و آن اینست نظر کنند بقانونی که در (۱۹) شهر صفر در خصوص استخدام مستخدمین امریکائی از مجلس گذشت و در آن لایحه ریاست خزانه بر حسب رأی مجلس بيك نفر مستخدم امریکائی داده شد و در این لایحه هر جا اسم برده شود خزانه دار کل مسلم است رئیس مستخدمین امریکائی است پس لازم نیست که دیگر اسم شخص برده شود زیرا بموجب قانونی که عرض کردم تخصیص خزانه داری را بيك نفر دادیم و او خزانه دار کل است گویا تکرار لازم نیست و اینکه می فرمائید که چرا این اختیارات را ما باو میدهم همان طور که آن قانون اجازه داد که این شخص خزانه دار کل باشد همین قانون هم اجازه میدهد که او این ادارات را تشکیل بدهد و این هیچ منافات و مخالفتی ندارد که بگوئیم چون او را برای خزانه داری خواسته ایم چرا این اختیارات را باو میدهم مجلس شورای ملی میتواند بموجب لایحه که وزارت مالیه پیشنهاد کرده است که اجازه بدهد امور مالیه را رئیس مستخدمین امریکائی مرتب کند ادارات آنرا تشکیل بدهد و این ادارات را حس میکنم که برای وزارت مالیه لازم است و کسی غیر از این نمی تواند تشکیل بدهد و این جمله هیچ مخالفتی با قوانین موضوعه ندارد

دکتر حاج رضا خان - بنده خیلی متشکرم از نماینده محترم که اگر همین شکل جواب ما را بدهند قانع خواهیم شد که این خارج از وظیفه خزانه داریست لی برای اصلاحات مالیه مملکت لازم شده است که بيك خزانه دار کلی يك همچو اختیاراتی داده شود اما اگر بخواهند باسم خزانه دار کل بقبولانند که اینها وظیفه خزانه دار کل است این هیچ نخواهد شد و بعنوان اینکه (ارتیکل) مملکتی در پیش است این نخواهد شد میگوید اداره کل دریافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیات هائیکه در آتیه برقرار خواهد شد بنده نمی دانم خزانه دار کل این حق را خواهد داشت و ما همین شکلی که بيك خزانه دار کل خواستیم بکنفر را هم برای مالیات مستقیم خواستیم بنده نمیدانم از کجا خزانه دار کل برتری بر مأمور اداره مالیات مستقیم دارد که ریاست اداره مالیات مستقیم را واگذار میکنیم بنده خزانه دار کل آیا اینرا هیچ میتوان از نظر دور ساخت و تعمق نکرد در اینکه يك کسیکه خزانه دار کل است این اختیارات را باو بدهیم و کار بيك کسی را که مستخص است بآن کار بدهیم بکسیکه مستخص در آن کار نیست و بنده استدعا میکنم که جواب ما را در راه دلیل منطقی بدهند نه اینکه هی بگویند که اصلاح مملکت لازم است بشود بنده عرض میکنم که هر کار یار بکنفر مستخص باید سر آن کار گذاشت اگر ده نفر هم لازم است باید ده نفر آورد که

اختصاص داشته باشند و دیگر مینویسد که اداره کل تقش و نظارت و محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجه بآنها یا تصور نخواهید کرد که تقش و محاسبات کلیه عایدات راجع نیست بنده خزانه دار کل چون بنده فقط خزانه دار کل مبینم و هیچ اسم کسی را ننوشته مبینم برای اینکه نظر ندارم که چون خزانه داری کل تعلق بسویو شوستر میگیرد و حالا تفویض میکنم وظیفه دیوان محاسبات و وزارت مالیه و مجلس مقدس را باو و تصویب میکنم بنده باز خواهش میکنم که اگر اینرا فوق العاده کابینه حس کرده است که این اختیارات را که خارج از وظیفه خزانه داریست باید باو داده شود و مملکت بواسطه دادن این اختیارات بنده خزانه دار کل اصلاح میشود اظهار بفرمایند ما قانع خواهیم شد و اگر بخواهند بگویند که ما همان خزانه داریکه خواستیم مستلزم این وظایف هست اینرا بنده مخالفم و نمیپذیرم

معاون وزارت مالیه - در ضمن شور در کلیات

بنده عرض کردم که این وظایفی است فوق العاده که وزارت مالیه باو میدهد و نظر بمقتضیات وقت و احتیاجات مملکتی وزراء این اختیار را باو میدهند و اینکه فرمودند ما چند نفر دیگر استخدام کرده ایم که از برای مالیات مستقیم و تقش و جطور این حق را بنده خزانه دار کل میدهم بله آن شخص را که استخدام کرده ایم برای مالیات مستقیم باید او مطالعات خودش را در تحت نظارت و ریاست وزارت مالیه کرده باشد و وزارت مالیه این حق را میدهد باینکه مطالعاتیکه دارد در تحت نظر خزانه دار کل بکند و بعد خزانه دار کل پیشنهاد میکند بوزارت مالیه .

معزز الملک علی الخصوص که اگر وقت بفرمایند

پس از تصویب ماده اول این مسئله اگر بنده بکلی لغو خواهد بود بجهت اینکه در ماده اول يك وظایفی معین کرده است حالا آن خوب بود باید کار ندارم با يك اکثریت (۶۰) رأی تصویب شد پس از اینکه آن ماده گذشت و تصویب شد آنوقت ماده دوم چه میکند اداراتیکه برای اجرای آن تکالیف لازم است معین میکنند اینها اگر خوب است بر میخورد به ماده اول اگر بد است باز بر میخورد بساده اول وقتیکه ماده اول تصویب شد این دو ماده لازم و ملزوم همدیگرند .

نایب رئیس - مذاکرات کافیت - رأی

میگیریم با بنامه بترتیبی که قرائت شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با کثرت (۶۳) رأی تصویب

شد. ماده ۳ قرائت میشود : ماده ۳ - خزانه دار کل در هر يك از ادارات سه گانه مذکوره در ماده (۲) دوایر و شعبات را که برای جریان امور آنها لازم بداند دائر خواهد نمود .

نایب رئیس - مخالفی نیست (هشتروی)

هشترودی - بعد از اینکه آقای معاون وزارت

مالیه آن فرمایشات را که کردند معلوم میشود که بینی بین الله البته تمام این مواد بآن نظر نوشته شده است باید باین قانع شد و دیگر نمیشود مخالفت کرد ولی بنده مبینم بقول آقای دکتر حاج رضا خان همچو میخواهند بگویند که این از لوازمات

خزانه داری است و الا اگر که لازم و ملزوم آن نشد البته بيك شخص عالمی خیلی امتیازات و اختیارات بالاتر از اینها باید داد که آنها را برای ما کامل بکند و صلاحمان هم در اینست و بنده مخالفتی که دارم در کلیه و در مواد برای این است که این وظایف خزانه دار نیست لکن ما از برای بعضی ادارات خودمان و از برای دوائر آن ادارات بعضی اصلاحات لازم داریم البته چنانکه در این ماده هم نوشته شده است میخواهم بيك استفاده کلی بدم کسی در اینجا مخالفت ندارد و البته خیلی لازم است .

نایب رئیس - پس شما مخالفتی ندارید .

هشترودی - مقصود این است که بيك

دفعه اینجور میشود این نقشه که پیش آمد مخالفتی ندارد ولی شبیه بر این بيك چیزی است مثلا من بيك پدر عالمی دارم بکار تمام دنیا میخورد و خیلی هم دوستش دارم ولی ملتفت نیستم آنوقت باو یلو میدهم آش میدهم چلو میدهم شوربا میدهم و او هم ملتفت نیست تمام را میخورد ناخوش میشود و از این بيك دفعه منتفع نمیشوم من از این مترسم که تمام کارها مان را باو بدهیم که وظیفه او نیست و آن مثال بشود و از او منتفع نشویم پس عدلیه را هم باو بدهیم درست بکنند باز هم در آنجا موافقم ولی تصدیق میکنم که این از وظیفه او خارج است و آنوقت از او منتفع نخواهم شد .

دکتر حاج رضا خان - اینجا میگوید که

خزانه دار کل در هر يك از ادارات سه گانه مذکوره در ماده (۲) دوائر و شعبات را که برای جریان امور آنها لازم بداند دائر خواهد نمود البته یکی از این دوائر دایره مالیات مستقیم خواهد بود ما بيك نفر خواستیم برای مالیات مستقیم و اینکار مستخص اوست ما نمیدانیم بچه ملاحظه امروز وزارت مالیه حس کرده است تشکیلاتی که باید در مالیات مستقیم بشود که راجع بآن مستخص است باین خزانه دار کل واگذار میکند خوب است دلیل اینرا بفرمایند که بنده قانع شوم برای اینکه ما برای مدیر اداره مالیات مستقیم رأی داده ایم و بيك نفر مخصوص استخدام کرده ایم و از آمریک خواستیم و وظیفه او را میدهم بنده خزانه دار کل این بچه ملاحظه است و بچه دلیل .

معاون وزارت مالیه - عرض میکنم وزارت

مالیه نظر بحسن جریان امور و ترتیب مالیه میخواهد بيك نفر مسئول داشته باشد که سایر مأمورین جزء در تحت ریاست او شروع باصلاحات بکنند هیچ مخالفت و منافاتی هم ندارد و آن یک نفر را که استخدام کرده ایم برای مالیات مستقیم مشغول خدمت خودش باشد ولی در تحت نظر رئیس کل .

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده (۳)

آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با کثرت (۵۹) رأی تصویب

شد . ماده (۴) قرائت میشود .

(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۴) - بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی لدی الاقتضاء خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر يك از ولایات

لازم بداند دائر خواهد نمود .
بهبخت - عقیده بنده این است که این ماده دیگر لازم نیست برای اینکه بعد از اینکه تشکیلات در مرکز تمام شد هیچ مقید کردن بر مرکز و غیر مرکز لازم نیست البته از مرکز که شروع شد در ولایات تشکیل می شود پس این لفظ در ولایات زائد است .

معاون وزارت مالیه - اینجا خیلی لازم است این ماده برای اینکه آن موادی که ذکر شد تصریح میکند در مرکز و مقصودش اداره کل مالیات در مرکز است و این هیچ نبرساند که در ولایات چطور شروع میشود بعد از اینکه این ادارات در مرکز تشکیل شد در ولایات هم شروع خواهد شد .

نایب رئیس - مذاکرات کافی است (بعضی اظهار کردند کافی نیست)

نایب رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده (۴) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت (۶۳) رأی تصویب شد .

ماده (۵) خزانه دار کل مأمور نگاهداری خزانه مملکت است هیچ يك از معارج دولتی بدون (در حواله جات مستقیم) و با تصدیق او (در حواله جات اعتباری) پرداخته نخواهد شد .

دکتر حاج رضاخان - آن ماده که

با دیوان محاسبات متضاد است گویا این ماده باشد اگر نیست البته توضیح خواهند داد و مرا قانع خواهند کرد در دیوان محاسبات مینویسد که هیچ حواله پرداخت نمی شود مگر با تصدیق اداره تفتیش و امضاء رئیس دیوان محاسبات و اینجا عین این ماده را تجویز کرده است بخزانه دار کل میگوید خزانه دار کل هیچ حواله جات را نمیدهد مگر بامضای خزانه دار کل ممکن است که نظر مسیو شوستر چنانچه شنیده ام این باشد که دیوان محاسبات اصلاً امروز لازم نیست اگر آن نظر شده بنده هم شاید همراه باشم و اگر باید دیوان محاسبات باشد آنوقت اینوظیفه هم بایشان تعلق میگیرد بنده با این مخالفم .

معزز الملک - باز هم این جا يك اشتباهی گویا برای دکتر حاصل شده است یقیناً است همچو چیزی بسکی اظهار نشده است که مسیو شوستر بادیگری گفته باشند که دیوان محاسبات از برای مملکت لازم نیست چیزی که قانونش در مجلس گذشته است و لازم بوده است چطور لازم نیست اما در باب خود این ماده این جا يك جزئی اشتباهی کرده اند در دیوان محاسبات نوشته شده است که هیچ حواله بدون ثبت در دیوان محاسبات پرداخته نخواهد شد و حالا بر فرض اینکه نوشته بود بدون تصدیق یا امضاء پرداخته شود باز منافات ندارد بجهت اینکه تصدیق یک نفر مستلزم عدم امضای دیگری نخواهد شد بعلم اینکه ممکن است امضای خود وزیر هم لازم باشد و امضای دیگری هم لازم

باشد اینها هیچ باهم دیگری منافات ندارد ممکن است خزانه دار کل در حوالجاتی که مستقیماً در مرکز پرداخته میشود امضاء بکنند و در حوالجاتی که در ولایات باید پرداخت شود او را هم تصدیق کند ولی ممکن است که او حواله کرده و تصدیق نموده مطابق قوانین دیوان محاسبات آنرا رد کند این منافات ندارد با تصدیق و امضائی که در اینجا ذکر شده است

معاون مالیه - آقای دکتر رضاخان اظهار فرمودند که بنده بایشان عرض کردم که مسیو شوستر گفته است که دیوان محاسبات باید ملغاً شود هیچ همچو چیز نبود گویا اشتباه شده است در ضمن ماده (۱۱) که مینویسد مطالعات در قوانین الی آخر و در کمیسیون که مطرح مذاکره بود از بنده سؤال شد که نظر اینها در مطالعات قوانین چیست بنده عرض کردم که مقصود قوانین است که گذشته و قوانینی که خواهد گذشت و نظریات مسیو شوستر در قانون دیوان محاسباتی که از مجلس گذشته است میباشد و پیش نهاد مجلس خواهد بود مقصود این بوده است نه مقصود الغاء

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده (۵) بترتیبی - که قرائت شد آقایانی موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت (۶۶) رأی تصویب شد ماده ۶ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) - خزانه دار کل نظامنامه هائی که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکوره در موارد فوق لازم است تدارک نموده و نظامنامه های مذکور بعد از اینکه بامضای وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجرا خواهد بود .

حاج یدابراهیم - مقصود از این نظامنامه ای که پس از امضاء وزیر مالیه اجرا خواهد شد نظامنامه داخلی ادارات ثلاثه است یا نظامنامه اصلاح مالیاتی است اگر مقصود نظامنامه اصلاح مالیاتی است که این غلط است بجهت اینکه هر اصلاح مالیه باید بمجلس بیاید و بعد اجرا شود و اگر نظامنامه داخلی است خوب است اینطور بنویسند که نظامنامه ای که برای ادارات لازم است نه اینکه برای اصلاح مالیاتی خوب است این مدافعاتی هم کمیشود از نقطه نظر آن کسی که اشکال کرده است اظهار فرمایند .

معزز الملک - اینجا توجه فرمودند که این مدافعه کمیشود البته از نقطه نظر خود آن ایراد کننده است قسم دیگری حرف نمیزنند اینکه اینجا نوشته است ممکن است مثلاً برای اصلاح مالیات قانونی بکنند ولی خود آن قانون مستلزم يك نظامنامه ای خواهد بود و آن نظامنامه را این شخص تهیه میکند و بنظر وزیر مالیه میرسانند این دیگر اشکالی نخواهد داشت .

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست پس رأی میگیریم باین ماده (۶) بطریقی که قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت (۶۱) رأی تصویب شد ماده ۷ قرائت میشود . (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

آنوقت البته بمجلس خواهد آمد که مدت کثرتات هشت آنها معلوم شود و از حیث مبلغ دیگر در ضمن این شصت هزار تومان خواهد بود .

آقای میرزا اسدالله خان - بنده این جمله آخر را در اینجا زائد میدانم بواسطه اینکه امروز هر چه مستخدم لازم بوده است که بیاورد بمجلس آورده اند و این عبارت زائد است آن عبارتی که اول مسیو شوستر پیشنهاد کرده بود بهتر است و محتاج باین نیست که هر دفعه ما بگوئیم که هر کس مستخدم میشود باید از مجلس بگذرد .

معزز الملک - برای اطلاع خاطر عموم عرض میکنم که آن لایحه که این از آن ترجمه شده است حاضر است و بد ترجمه شده است و فرانسه و اینجا هست ترتیبی که در راپورت کمیسیون نوشته شده است بهتر است و خود مسیو شوستر و وزیر مالیه و وزیر عدلیه هم حاضر بودند این عبارت را که اینجا است بهتر دانستند و پسندیدند .

محمد هاشم میرزا - ایرادی که آقای مشرودی فرمودند ایراد صحیحی است و جواب داده نشد و اینکه آقای مخبر جواب دادند مثل این است که وزارت معارف اعتباری بخواد برای مدرسه سیاسی وزیر مالیه هم اعتباری خواسته است اینطور نیست بجهت اینکه طرف اعتبار دادن باید وزیر مالیه باشد اینجا نوشته شده است بخزانه دار کل باید نوشته شود که شصت هزار تومان اعتبار داده میشود بوزیر مالیه برای تشکیل اداره که خزانه دار کل در نظر دارد و الا طرف اعتبار دادن مامستقیماً خزانه دار کل نیست باید تصریح شود که بوزیر مالیه داده میشود غیر از این را بنده مخالفم .

حاج عز الملک - اینجا اشتباه میفرمایند زیرا برای تشکیل اداراتی که ذکر شده است این (۶۰) هزار تومان از بودجه مملکت موافق این ماده اعتبار بوزیر مالیه داده میشود اگر این هیئت اشخاصی بودند که سابق مستخدم بوده اند محتاج با اجازه مجدد نیست و اگر جدیداً باید اشخاصی کثرتات شوند مطابق معمول باید با اطلاع مجلس باشد کمیسیون هم قید کرده است که بتصویب مجلس باشد و در حقیقت این ماده (۶۰) هزار تومان برای تشکیل این اداره اعتبار میدهد .

مشرودی - بنده تشکیل هیئت مخصوص برای تفتیش خیلی لازم میدانم و البته از برای آن اداره هم يك همچو اعتباری باید داده شود اما مستقیماً بخزانه دار کل اعتبار داده شود این صحیح نمیدانم و در مجلس باید اعتبار بوزیر داده شود منتها وزیر خودش باو اعتبار بدهد .

معزز الملک - بنده تصور میکنم که در اینجا همان نکته را که آقای مشرودی میفرمایند ملاحظه شده است چنانچه وزارت معارف یکروز هم می آید اینجا تقاضای (۱۵) هزار تومان برای ساختن مدرسه سیاسی مینماید مجلس شورای ملی در اینجا نمیگوید که چرا اسم مدرسه سیاسی را میبرند اینجا هم همینطور است وزیر مالیه شصت هزار تومان اعتبار تقاضا میکند منتها بجای آن مدرسه سیاسی اینجا میگویند برای خزانه دار کل (۶۰) هزار تومان اعتبار میخواهم که او يك هیئت تفتیش را دائر بکند حالا در ضمن آن هیئت مخصوص تفتیش اگر يك اشخاص جدیدی از خارجه لازم است استخدام شود

خزانه دار کل خواهد بود و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلف هستند اطلاعاتی را که مشارالیه لازم دارد بلا تأخیر تهیه و تسلیم نمایند .

دکتر رضاخان - در ماده (۷ و ۸) محاسبات عمومی که در باب تهیه بودجه است نوشته است «هر وزیر مکلف است بودجه وزارتتخا خود را تهیه کرده بوزارت مالیه تسلیم نمایند وزارت مالیه باید بودجه کل مملکت را تهیه کرده بمجلس تقدیم نماید» و اینجا این تکلیف بخزانه دار کل داده نشده اگر چه يك مختص اصلاحی شده است بآن پیشنهادیکه از طرف وزیر شده است اگر چه اینجا نوشته شده است که بجهت بودجه مملکتی که باید از طرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود این جمله زیاد شده است ولی هنوز رفع اشتباه بنده را نکرده است برای این که این یکی از تکالیف مختصه وزیر است تعیین بودجه مملکت و اینجا راجع شده است بخزانه دار کل استعدا دارم که آقای معاون توضیح بدهند که بجهت دلیل وظیفه مختصه وزیر راجع شده است بخزانه دار کل .

معاون وزارت مالیه - این ماده ابتدأ مخالفت ندارد با اظهار آقای دکتر رضا خان تهیه بودجه مملکتی که از طرف دولت باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود بعد از این که خزانه دار کل بودجه کل را تدارک و تهیه کرد پیشنهاد بوزیر میکند آن وقت وزیر خودش با نظریاتی که دارد پیشنهاد میکند بمجلس مقدس این ابتدأ مخالفتی با آن ماده محاسبات عمومی ندارد اثبات شیئی نفی ماعدا نمیکند وزیر تهیه میکند و میدهد باو او هم مطالعات خود را میکند میدهد بعد به هیئت وزراء پیشنهاد میکند و از طرف هیئت وزراء بمجلس شورای ملی فرستاده میشود

حاج سید ابراهیم - بنده چون در قانون محاسبات عمومی نوشته است وزیر مالیه بودجه کل را بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند و اینجا نوشته است دولت پیشنهاد میکند آن وقت وظیفه وزارت مالیه را بمقادیر ماده تهیه که بودجه است بخزانه دار کل واگذار کرده است بنده گمان میکنم که اگر بجای از طرف دولت پیشنهاد میشود (از طرف وزیر مالیه پیشنهاد بشود نوشته شده بود) بهتر بود .

معزز الملک - مقصود از کلمه دولت که اینجا نوشته شده است وزارت مالیه است وزارت عدلیه بودجه مملکتی را پیشنهاد نخواهد کرد چون وزارت مالیه از طرف دولت برای ابتکار معین شده است از اینجهت اینجا هیئت دولت ذکر شده است .

حاج دکتر رضاخان - بلی این توضیح آقای معاون بنده را قانع نکرد زیرا که بنده هم همچو تصور نکرده بودم که وزیر خودش مینشیند بودجه مینویسد البته این که میگویند وزارت مالیه که تهیه بودجه میکند بدست اعضاء تهیه بودجه خواهد شد ولی چون در تحت مسئولیت وزارت مالیه است و او مسئول بودجه مملکتی است باید در تحت نظرا و تهیه شود لهذا این تکلیف او است که از اجزاء خودش بخواد و بیاورد بمجلس و اینجا نوشته

است یکی از تکالیف خزانه دار کل است و راجع شده است بخزانه دار کل گما میکنم خزانه دار کل تکلیفش تهیه بودجه نباشد این که بنده اشکال میکنم از این جهت است که وزیر مالیه یا بتوسط خزانه دار کل یا بتوسط غیر خزانه دار کل البته او هم ملاحظه میکند و راهی که زودتر تهیه میشود از آن راه بمجلس میآورد ولی دلیل این که این بعهده خزانه دار کل واگذار نموده اند در صورتیکه آن مسئولیتی که وزیر دارد خزانه دار کل ندارد چیست البته آنچه دلیل که دارد ترفیع بدهند .

معاون وزارت مالیه - بنده از ابتداء عرض کردم که این وظایف که اینجا نوشته شده است تمام وظایف خزانه دار کل نیست بلکه بعضی از این مواد فوق العاده است که اختیارات بخزانه دار کل داده شده است یکی از آن اختیارات این است که تهیه بودجه کل را وزارت مالیه باو رجوع کرده است حالا این منافاتی نخواهد داشت که هر وزیر بودجه وزارتخانه خودش را تهیه و بوزارت مالیه پیشنهاد میکند و وزارت مالیه بخزانه دار کل خواهد داد که نظریاتی دارد در اینباب بکنند و به مجلس تقدیم کند ابتدا با محاسبات عمومی منافات نخواهد داشت .

رئیس - آقای عز الملک اصلاح عبارتی را بفرمائید .

عز الملک - بلا تأخیراً زائد میدانم .
رئیس - گویا مذاکرات کافی است - آقای حاج سید ابراهیم اصلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود در قابل توجه بودن رأی میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد) :

بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت باخر ماده هشت الحاق شود که موافق قانون محاسبات عمومی بودجه کل تنظیم شده بمجلس پیشنهاد میشود .

رئیس - اگر باید منضم شود جایش در آخر ماده نیست در اول ماده است حالا توضیح بفرمائید

حاج سید ابراهیم - مقصود بنده در اول و آخر فرق نمیکند مقصود بنده اینست که این ماده توضیح شود که برخلاف محاسبات عمومی رفتار شود و يك اختیاری علیحده داده نشده باشد و همینطور که در اینجا اشاره شد که وزیر مالیه بودجه را تنظیم میکند و مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند این هم موافق آن نوشته شود و همانطور که آقای معاون فرمودند اگر موافقت داشته باشد این هم گویا منافاتی نداشته باشد قبول بفرمائید و در اول یا آخر ماده نوشته شود .

رئیس - کمیسیون قبول نمیکند ؟

معزز الملک - کمیسیون این اصلاح را زیاد میداند بجهت اینکه همینطور که اظهار شد این ماده ابتدا مربوط نیست بآن ماده قانون محاسبات عمومی زیرا که در اینجا يك تکلیف معین کرده است که وزیر مالیه مشول تهیه کردن بودجه مملکتی است حالا در این لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است همانطوریکه اینجا گفته شد خود وزیر مالیه ممکن است بيك مأمور دیگری واگذار نماید در این ماده فقط تعیین این مأمور را میکند .

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد.

رئیس - قابل توجه نشد حالارای میگیریم باصل ماده (۸) بترتیبیکه نوشته شده است آقاییانیکه موافقت قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده (۹) خوانده میشود (ماده مذکور بعنوان ذیل خوانده شد).

ماده (۹) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در مصارف و معاملات دولتی بعمل آورد و این یکی از تکالیف مهمه اوست

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد).

رئیس - رای میگیریم بماده (۹) بترتیبی که خوانده شد آقاییانیکه موافقت قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده دهم (بعبارت ذیل خوانده شد).

ماده دهم - خزانه دار کل مکلف است هر سه ماه یکمرتبه راپورت مفصلي در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهار شد خیر).

رای میگیریم بماده دهم آقاییانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده بازدهم (ماده (۱۱) بعبارت ذیل خوانده شد).

ماده (۱۱) خزانه دار کل مطالعات لازم را در اصلاح قوانین موجوده مالیه ایجاد منابع جدیده عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب مملکت باشد مینماید که بتوسط هیئت دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهار شد خیر).

رای میگیریم بماده (۱۱) آقاییانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم (ماده دوازدهم بعبارت ذیل خوانده شد).

ماده (۱۲) اختیار اجرای اداراتیکه بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشارالیه است.

بجهت - اینجا میخواستم آقای معزز الملک توضیح بدهند که مقصود از اختیار چه چیز است مقصود برقرار کردن ایشانست راجع بقانون است یا عزل و نصابست چیست بفرمائید.

معزز الملک - مقصود از اختیار اجزاء البته عزل و نصاب اجزاء آن اداراتست که راجع میشود بماده دوم هیئت مخصوصه تفتیش و مقصود این است که در اداراتی که در تحت ریاست ایشان تشکیل میشود اختیار عزل و نصب اجزاء با خودشان است.

میرزا یانس - بنده با اینماده موافق و ولی میخواستم یکماده اینجا پیشنهاد بکنم بعنوان ماده (۱۳)

رئیس - بنویسید بفرستید.

لواء الدوله - عرض میکنم خوب است آن زمانی که يك لایحه و قانونی پیشنهاد میکنیم بعضی قوانینی که از مجلس گذشته است در نظر داشته باشیم کا اختیار فلان وزارتخانه را بوزارتخانه دیگری ندهیم مثلا در يك قانونی نوشته شده است اختیار بلدی

باوزارت داخله است آنوقت میآوریم آنرا در تحت نظارت وزارت معارف قرار میدهیم اختیارات مال مجلس است (چو بنده اجازه خواسته بودم و نوبت بنده نرسیده که عرض کنم حالاکار ندارم بآن) مثلا خزانه دار کل حق ندارد در اختیارات مملکت ما يك نظری داشته باشد خصوصاً در خصوص ادارات مثلا دیوان محاسبات را خزانه دار کل بخواهد عزل و نصب بکند این دیگر اختیاری برای دیوان محاسبات باقی نماند اینها يك اندازه اختیاری است که مافوق تصور است بنده عرض میکنم که خوب است در اینجا دقتی بفرمائید که اسباب اشکال نشود.

معزز الملک - ابتدا اگر چه خارج از موضوع است عرض میکنم اختیار دادن امتیازات را مطابق این لایحه قانونی کسی واگذار نکرده است بخزانه دار کل اختیار دادن امتیازات یکی از مختصات مجلس شورایی است و هیچکس نمیتواند آنرا سلب بکند اما اینکه در ماده ۱۲ قید میکند راجع بدیوان محاسبات نیست ملاحظه بفرمائید در ماده ۳ و ۲ نوشته شد تشکیلات ذیل را خزانه دار کل میدهد و بعد در ماده هفت که میگوید تشکیل هیئت مخصوص تفتیش را میدهد و برای اجرای این تشکیلات در ماده ۱۲ عزل و نصب و تغییر و تبدیل که در اجرا لازم است با خزانه دار کل خواهد بود هر طوری که بداند میتواند رفتار بکند و هیچ مربوط بدیوان محاسبات و غیره نیست

دکتر رضاخان - بنده اساساً هیچ مسلک اجازه نمیدهد که اختیار يك عده را بدست يك نفر داد بدون اینکه در تحت يك قاعده باشد ورود در اداره یا خروج آنها باید از روی يك قانونی باشد قانون استخدام نوشته شده است و شور اول آنها اینجا شده است و شور دوم هنوز نشده است و اینجا که این اختیارات میدهیم آنوقت که شور دوم این میشود اگر بگذرد آنوقت در اداره مالیه یعنی آن تشکیلاتی که بمعهده خزانه دار کل است نمی دانم از آن استثناء خواهد شد یا نه بالاخره هیچ مسلک بنده اجازه نمیدهد که اختیار یکنفر را بمیل رئیس واگذار کرد که بمیل خودم او را وارد کند و بمیل خود او را خارج کند بایک شرایطی میبایستی مستخدم وارد اداره شود و البته میبایستی در آنجا تأمین داشته باشد که بدون هیچ تقصیری او منفضل نخواهد شد از این جهت بنده مخالفم و تصویب نمیکنم.

سليمان میرزا - در صورتیکه ما از یکنفر مستشار و مسئولی که از برای اصلاحات مملکت مان از دور خواسته ایم اصلاحات اداراتمان را از او میخواستیم و تشکیلات ادارات مالیه را مطابق موادی که در فوق ذکر شد از او میخواستیم باید اجازه بدهیم که اشخاص را مطابق کارهایی که خودش اطلاعات و عملیات دارد انتخاب بکند و اختیار داشته باشد تا خوب بتواند آنرا اداره بکند و در این موضوع هیچ اختیار تامی نیست که بگوئیم باو يك اختیارات تامی مافوق قوانین موضوعه داده باشیم هر کس که بخواهد يك اداره را مرتب بکند و يك تشکیلاتی بدهد علی الخصوص اداره که هنوز اساسش گذاشته نشده و بخواهد مطابق ترتیبات عملی که دارد اینرا تشکیل بکند محققاً باید از برای جرح و تعدیل و حقوق واد خال و اخراج اجزاء يك اجازه و اختیاری داشته باشد و هنوز هم که

يك قانون استخدامی از مجلس نگذرانیده ایم که بگوئیم این برخلاف آن قانون است گمان میکنم اگر این اختیار را باین مستخدمین ندهیم مثل اینست که ماهیچ نمیخواهیم اینمواد فوق اجراء بشود اگر ما میخواستیم اینمواد فوق اجراء بشود و امیدوار باشم که يك اصلاحاتی در امور مالیه بشود و يك اداره مالیه منظم و مرتبی داشته باشیم این هم موادی است که باید تصدیق بکنیم باید يك چنین اجازه بدهیم تا بتوانیم همچنانکه در کلیه اینمواد و لایحه بوده در این ماده هم خواهد بود.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ قبل از اینکه رای بگیریم باید اصلاحی را که آقای زنجانی راجع باین ماده پیشنهاد کرده اند خوانده شود آنوقت رای بگیریم (اصلاح مذکور بمضمون ذیل قرائت شد) (اصلاح ماده ۱۲ - نصب عزل اجزاء اداری که بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل میشود با خود مشارالیه است.

معزز الملک - بنده تصور میکنم که این پیشنهاد خوب نباشد بجهت اینکه اینجا تصریح میکند که فقط عزل و نصب باو باشد و حال آنکه چیزهای دیگری است که در ضمن مأموریت دادن بارتیبت حقوق و غیره باید باشد که درین صورت این پیشنهاد شامل آنها میشود و اینماده شامل است از این جهت کمیسیون اینرا نمی تواند قبول بکند.

آقا شیخ ابراهیم - بعقیده بنده عزل و نصب هر مأموری در تحت امر رئیس اداره است باید عزل و نصب راهم باو اختیار داد عزل و نصب اجزاء هر اداره بدست کسی است که رئیس اداره باشد و اجزاء همه مأمور او خواهند بود او دیگر قانون نمیخواهد اینست که دیگر اینرا اختیاری نوشتن صحیح نیست چه نوع اختیاری باید نوشته شود عزل و نصب یا چیزهای دیگر و سند اختیار اجزاء با اوست يك حرف غیر صحیحی است باید معلوم باشد چه نوع اختیار است اما امریت معنی اینست که آن رئیس امریت دارد بمرأیت این دیگر نوشتن نمیخواهد معلوم است.

رئیس - رای میگیریم باین اصلاح آقاییان قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم بماده دوازدهم راپورت کمیسیون آقاییانیکه موافقت قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه میرزا یانس پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که وزارت مالیه روزنامه هفتگی رسمی داشته باشد که تمام معاملات و محاسبات وزارت مالیه در آن روزنامه درج شود و دایر کردن این روزنامه مخصوصاً با خزانه دار کل باشد که تفصیل تمام اعمال و اصلاحات خود را در آن روزنامه درج نماید تا تمام ملت ناظر اعمال خزانه دار باشد.

معزز الملک - این پیشنهاد را نمیتواند کمیسیون قبول بکند اگر چه این مسئله ممکن است که يك فوایدی داشته باشد ولی کمیسیون ملاحظه میکند اینرا از موضوع این قانون خارج است نمیتواند قبول بکند مع الخصوص که در اینجا ذکر شده است که خزانه دار کل سه

ماه سه ماهه راپورت اعمال خود را بدهد حالاً اگر وزارت مالیه بخواهد يك روزنامه در وزارت مالیه باشد میتواند يك پیشنهادی بکند که از مجلس بگذرد و يك روزنامه دارا باشد.

میرزا یانس - بنده وقتی که این پیشنهاد را کردم این مسئله در مدنظر بود دیدم آقایان و کلا باکمال شوق این اختیارات را که از طرف وزارت مالیه خواسته شده بود بجهت خزانه دار کل باودادند و بنده هم یکی از آنها بودم که باکمال شوق رای دادم که این اختیارات داده شود و مخالفین خیلی کم بودند ولی بنده يك چیزی میخواستم که هم صرفه اهل مملکت هم بجهت پیشرفت کار این حضرات که تازه مستخدم شدند و ما اینقدر زیاد منتظر هستیم از آنها که این کارها را بکنند خوب است اینها کارهای خودشان و اصلاحات خودشان را که میکنند هفته به هفته در روزنامه جات درج بکنند این دو خوبی دارد یکی این است که ممکن است این اشخاص مخالفین داشته باشند در میان مردم و این مخالفین افواها در اطراف بگویند که اینها اینطور و اینطور میکنند و چه میکنند و مردم نمیتوانند از نزد يك ناظر اعمال اینها باشند و خیال آنها را موش میکنند و یکی هم اینکه این اختیارات را بآنها داده اند هفته به هفته به بنده چه پیشرفت هایی از آنها شده و هم بجهت آنها که منتظرند از آنها خدمات زیادی ظاهر شود و بنده نمی توانم قانع شوم باین فرمایشی که آقای مخیر کردند که این دخلی باین لایحه ندارد و دلیلش این است که وقتی رای میدهیم در این لایحه که خزانه دار کل مکلف است که تهیه بدهد کلاً بکند و حال آنکه خزانه دار کل در تحت مسئولیت و حکم وزیر مالیه است که هر وقت بگوید بوجه حاضر بکنند حاضر میکنند يك اهمیت ثانوی و ثالثی داریم اداره کردن و مطلب دادن باین روزنامه رسمی همگی از تکالیف این خزانه دار کل است که این روزنامه را همیشه او این مطالب را بدهد یعنی (نوریت) بدهد.

رئیس - رای میگیریم در این ماده الحاقیه و آقاییانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند).

رئیس - قابل توجه نشد حالا مذاکره در کلیات است مخالفی نیست.

هشتم رودی - بنده در اول مجلس هم که میخواست مباحثه بشود در کلیاتش مخالف بودم و در بعضی موادش هم همینطور و مناط تمام مخالفت بنده اس اساس این بود که اینک نوشته اند قانون آورده اند بمجلس و امش راهم قانون خزانه دار یک کل گذاشتند از اول این لایحه ماده بماده تا آخر بنده اینرا قانون خزانه داری نمیدانم و جهتش این است که در تماممواد بنده می بینم وظایفی که باین خزانه داری داده اند که ابداً هیچ از وظایف خزانه داری نیست و در بعضی از مواد و در کلیات چون عراض خودم را کرده ام حالا هم اجازه خواستم که آقایان ملاحظه نکنند که بعد از آنکه موادش گذشت بنده هم رای دادم و با آنها همراه خیر باز هم درهما مخالفت خودم باقی هستم این قانون واقعاً نظر بفق العاده گی دارد که فوق العاده باوهر کس که هست که او را خزانه دارش بگویند آنرا بنده وظایف خزانه دار کل نمیدانم و فوق العاده نمیدانم

که این مأموریت را بخزانه دار کل میدهند و می گویند که این قانون برای خزانه دار کل است و لو اشخاص خزانه داری تبادل بشوند این برود او باید برای او بنده اینرا قانون خزانه داری نمیدانم و تصدیق هم کردند و چون آقای لمان وزارت مالیه تا يك اندازه تصدیق کردند اشکالات بنده را و گفتند که این وظایف خزانه دار کل نیست بعضی چیزهای فوق العاده باین مأموریت میدهند بجهت اینکه اصلاح مملکت خومانرا بکنیم اینست که عرض میکنم که این نبایست در این قانون نوشته شود و مخالفین در کلیات باین معنی که این قانون قانونی که برای خزانه دار کل باشد نیست بایست قانون خزانه داری نوشته شود و هر چه فوق العاده باین شخص حلالی قانون خزانه دار بدهیم آنها باید در ورقه فوق العاده بمجلس پیشنهاد بشود ولی بافتقاد این که لازم نبود شاید هیئت دولت خودشان میتوانستند بعضی جزئیات که صلاح مملکت است باو مأموریت بدهند و باید در این قانون درج شود و حالا هم بدرج آن مخالفم

معزز الملک - خاطر محترم ایشان را متوجه میکنم که این لایحه قانونی خزانه داری نیست این لایحه تشکیل قانونی ترتیب مالیات دولتی است منتهی چیزی که هست در اصلاحاتی که در نظر است راجع کرده اند بخزانه دار یک کل این يك چیزی است ولی نمیشود اسم این را گذاشت قانون خزانه داری بنده هم هیچ منکر این نیستم که شاید جای دیگری یا وقت دیگری در ایران هم ممکن بوده که يك وظایف دیگری برای خزانه دار یک کل معین شود این را بنده منکر نیستم و قیدی هم ندارم و حتماً در تمام عالم خزانه دار یک کل وظیفه اش اینست که ما این جانوشه ایم ولی چیزی هست امروزه بر حسب آن احتیاجاتی که داریم برای اصلاح مالیه خودمان لازم میدانم وظایف و تشکیلاتی را که در لایحه معین است بعمل آوریم و این اصلاحات را از که میخواستیم از همان اشخاصیکه برای اصلاح امور مالیه خواسته ایم و دوباره تکرار میکنم که فراموش باید کرد که در جزء آن هیئتیکه خواسته ایم که مأموری برای تفتیش و نظارت داریم و يك مأموری مالیات مستقیم که خزانه دار کل رئیس آن هیئت است و در هر جا که اسم خزانه دار کل نوشته شده است برای این است که دولت مسئولیت را بمعهده او واگذار بکند والا نباید تصور کرد که تمام این کارها را خزانه دار کل میکند هیئتی که برای این کارها خواسته شده اند آنها هم در همین وظایفیکه این جا نوشته شده است مشربك و سهیم هستند و آنها هم این اقدامات را خواهند کرد پس باین نظر عرض کردم و تکرار میکنم و هیچ منافاتی ندارد.

رئیس - گویا مذاکرات در کلیات کافی باشد (اظهار شد کافی است)

رای میگیریم بتمام این لایحه که متضمن ۱۲ ماده است و تمام موادش هم با اکثریت تصویب شده است آقاییانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقاییانیکه رد میکنند ورقه آبی.

دکتر حاج رضاخان - بنده يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده ام.

رئیس - وقتش گذشته است.

(اوراق رای اخذ شد و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق سفید را بعده ۶۱ و آبی را بعده ۳ احصاء نمود).

رئیس - با اکثریت (شصت و يك) رای تصویب شد.

۲ فقره راپورت کمیسیون بودجه یکی راجع بهشت هزار تومان قیمت نشان قدسی و دیگری راجع بمیرزا حسن خان مجاهد برای طبع و توزیع فرستاده میشود - دستور ه شنبه ۱۷ شور اول قانون عتیقات (۲) شور اول قانون جنگل (۳) راپورت کمیسیون بودجه راجع بمیرزا اسمعیل و وراث سید حسن مجاهد مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد).

(بکریم قبل از ظهر مجلس ختم شد).

(صورت اسامی آنها را با اوراق)

(۱) - رای در ماده هفتم لایحه با اکثریت (۶۰) رای آقاییانیکه تصویب کردند:

آقا میرزا ابراهیم خان - آقا میرزا رضاخان معذل الدوله - طباطبائی - منتصر السلطان - آقا میرزا داود خان - آقا سید حسین کزازی - آقا سید حسین اردبیلی - حاج شیخ علی - رکن الممالک - لسان - الحکماء - دکتر امیر خان - دکتر علی خان - دکتر لقمان - حاج سید نصرالله - حاج وکیل الرعایا آقا سید محمد رضای مساوات - دکتر حیدر میرزا معاضد السلطنه - تربیت - آقا میرزا ابراهیم قمی - انتظام الحکماء - آقا شیخ علی شیرازی - معتمدالتجار سلیمان میرزا - میرزا یانس - آقا میرزا علی - صدرالعلماء - آقا شیخ رضا - آقا شیخ ابراهیم - دکتر سعید الاطباء - آقا سید محمد رضای همدانی ارباب کبخسرو - مشیر حضور - اعتصام الملک - حاج آقا - عز الملک - فرزانه - حاج معین الرعایا - حاج عز الممالک - آقا شیخ مهدی - آقا شیخ غلامحسین - افتخار الواعظین - نیر السلطان - ضیاء الممالک - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا احمد - آقا سید جلیل - ابوالقاسم میرزا - شیبانی - معزز الملک - نجات - آقا میرزا قاسم خان - آقا میرزا اسدالله خان - دهخدا - آدینه محمد خان - متین السلطنه - آقا شیخ محمد حسین - وحید الملک.

(۲) - رای در کلیات لایحه خزانه داری کل تصویب کنندگان (۶۱) نفر:

آقا شیخ علی شیرازی - میرزا یانس - آقا میرزا ابراهیم خان - آقا شیخ ابراهیم - دکتر اسمعیل خان آدینه محمد خان - آقا میرزا علی - آقا شیخ رضا نجات - معتمدالتجار - ارباب کبخسرو - صدرالعلماء ادیبالتجار - سلیمان میرزا - دکتر سعید الاطباء - انتظام الحکماء - معاضد السلطنه - آقا محمد بروجرودی دکتر علی خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج سید نصرالله - شیبانی - دکتر لقمان - دکتر حیدر میرزا - آقا سید محمد رضای مساوات - وحید الملک رکن الممالک - معزز الملک - لسان الحکماء - آقا سید

نیست که بعقیده بنده باید توضیح بشود و اگر جزء هست بنده با گرفتن صدی بیست مخالفم و این اندازه را زیاد میدانم .

معاون وزارت فواید عامه - این صدی

بیست فقط يك اجرتی است که از صاحب اجازه گرفته میشود و دیگر مخارجی که بدولت تعلق میگیرد از قبیل مخارج مأمورین و غیره از خود صدی بیست داده میشود و علاوه بر این تعمیلی نخواهد شد در اینکه میفرمایند صدی بیست زیاد است تصور میکنم که کمتر صرفه نمیکند برای دولت از اینکه مواظبت در عمل عتیقات داشته باشد و این کار را بتواند اداره کند .

حاجوکیل الرعایا - مخالفت بنده فقط با قسمت

آخر است که در اخذ قیمت یا عین جنس دولت مختار است و در اینجا البته نظر کمیسیون خیلی خوب و مقدس بوده است لکن در وقت عملیات حضور ندارد که به بیند چه اصلاحاتی پیدا میشود برای اینکه همه کارکن های دولت آن قسمی که باید دارای اخلاق خوب نشده اند که خیلی منصفانه با کسانی که خیلی زحمت کشیده اند و خود دولت رادارای يك مالیه کرده اند بطور انصاف و مساعدت رفتار میکنند باینجهت بنده باهر قدر دلیلی که بتوانم بیاورم محتاج میدانم اینماده را باینکه این اختیار بمستخرج داده شود که در دادن عین جنس یا قیمت او مختار باشد نه دولت برای اینکه دولت همیشه بکطرف قوی است و او نمیتواند در مقابل دولت دفاع بکند از حقوق خودش و ما باید در اینجا از حقوق او دفاع بکنیم و رفع بکنیم از او يك زحمتی را که اخیراً خواهد دید که در هیچ يك از مواد این قانون عتیقات از پائین تا بالا هیچ اختلافی پیدا نخواهد شد مگر در اینماده و این قسمت اخیر که همه ادارات دولت حتی مجلس شورای ملی هم باید بعضی عریضات راجع باین ماده را بخواند بنا بر این بنده لازم میدانم اگر مجلس شورای ملی بامن کمک بکنند این اختیار را بمستخرج بدهیم که اختیار داشته باشد در اینکه از عین جنس بدهد یا از قیمت .

افتخار الواعظین - آقای حاج وکیل الرعایا

تصدیق خواهند فرمود باینکه يك روزی ملت و مملکت ما باید دارای يك موزه ملی بشود و بعضی اشیاء عتیقه خودش و یادگار سلاطین و اقوام سابقه خودش را در آنجا برای یادگار و نمایش بگذارد پس وقتیکه این اشیاء عتیقه استخراج میشود مفتش دولت آنجا است فوراً اسم و رسم و وصف آن چیز را مینویسد و در يك جائی میگذارد و مهر و موم میکند و حمل میشود بمرکز و در مرکز هم گویا ماده (۹) را ملاحظه فرموده باشند که در وقت قیمت کردن هم بکنفرانز طرف دولت است و بکنفرانز طرف آن مستخرجی که آن چیز را استخراج کرده است آنوقت دولت ملاحظه میکند اگر واقعا این چیزیکه استخراج شده است از اشیائی است که برای موزه ملی و از یادگار های ملی است و از چیزهایی است که دلالت بر ابهت و عظمت دولت ایران میکنند و بر صناعت و بزرگی عملیات آن ها دلالت دارد دولت صدی بیست قیمت آن را کم میکند و مابقی قیمت را بشخص صاحب اجازه میدهد که اگر چنانچه از چیزهایی نیست که اهمیت تاریخی داشته باشد در آنجا آن شخص مختار است صدی بیست دولت را از قیمت یا از عین بدهد و

این لایحه را نظر باختیاراتی که بخرانه دار کل داده شده است صحیح نمیدانم بواسطه اینکه در آنجا قید کرده کارهاییکه راجع است بامور مالیه در تحت ریاست او خواهد بود و این لایحه هنوز درست در تحت نظر خزانة دار کل نرفته است و چون يك قسمت از این لایحه راجع است بتأسیس یکنوع مالیاتی که گمان میکنم که بهتر این باشد که اینرا بفرستیم بوزارت مالیه که در آنجا تجدید نظری در آن بشود و رأیشان را با وزارت فواید عامه یکی بکنند بعد به مجلس بیاورند .

رئیس - عرض میکنم که اولاً این راجع بماده

دوم نبود راجع بکلیات بود و مذاکره در کلیات هم موقعش گذشته بود و این هم شور اول است وقتی که شور اول تمام شد اگر بنا باشد که رجوع بکنند بوزار تخانه میتوانند .

لواءالدوله - عرض کنم که نظر بقوانین

شرع مالك حق اولویت دارد بر آن اشخاصی که از طرف دولت عتیقات را اجازه میدهند از این جهت عقیده بنده اینست که ما باید يك اندازه بمالك حق بدهیم بجهت اینکه صاحبان املاك حقشان بیشتر است از دولت .

رئیس - گویا ماده را نخوانده اید همینرا

که می فرمائید در ماده دویم نوشته شده است .

لواءالدوله - ماده دویم نمی نویسد که باید

بصاحبان املاك حقی داد .

افتخار الواعظین - آقای لواءالدوله خوب

است ملاحظه بفرمایند که عین مقصودشان را کمیسیون در ماده دویم رأی داده و پیشنهاد کرده است برای اینکه ماده دویم میگوید اگر حفريات در املاك اشخاص واقع شود صاحب اجازه علاوه بر اجازه دولت باید استرضای مالك را هم تحصیل بکند یعنی اگر در ملك بنده يك کسی اجازه از دولت گرفته است و بخواهد حفريات بکند و چیزی از عتیقات را استخراج بکند علاوه بر اجازه که از دولت گرفته است باید با بنده هم که صاحب ملك هستم يك قراری بگذارد که از عین آنچه که بیرون میآورد یا از قیمت او يك چیزی بنده بدهد وقتیکه استرضای اجازه بنده را تحصیل کرد آنوقت می تواند مشغول کار شود والا نمی تواند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ ماده سیم خواند،

میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) :

ماده (۳) - از کلیه اشیاء مستخرجه دولت صدی

بیست بدون مخارج بعنوان مالیات از عین جنس یا قیمت دریافت خواهد کرد و در اخذ قیمت یا عین جنس دولت مختار است .

حاج سید ابراهیم - بنده با این لفظ بدون

مخارجش مخالفم بجهت اینکه يك نظامنامه برای اینکار در روزنامه رسمی نوشته شده است که مخارج را اعم میگوید از مخارج استخراج حفريات و مخارج مأمورین دولت که ناظر بر آن حفريات هستند در این صورت يك مخارج فوق العاده بر ردن اشخاص مستخرج وارد میکنند و این صحیح نخواهد بود خصوصاً که صدی بیست بعنوان مالیات هم قرار میدهم پس اگر مراد از این کلمه (بدون مخارج) فقط مخارج حفريات است و مخارج مأمورین دولت جزء

حسین اردبیلی - علی زاده - منتصر السلطان - آقاسید محمد رضای همدانی - ابوالقاسم میرزا - افتخار الواعظین حاج وکیل الرعایا - دکتر امیرخان - حاج شیخعلی آقاسید حسین کزازی - آقامیرزا داودخان - آقا سید جلیل - آقا میرزا اسدالله خان - آقا میرزا احمد - دهخدا - معذل الدوله - حاج آقا - مشیر حضور - فرزانه - عزالمالك - حاج عزالمالك - نیرالسلطان - ضیاءالمالك - آقا شیخ مهدی - آقا میرزا قاسم خان - محمد هاشم میرزا - آقا شیخ غلامحسین - آقا میرزا رضا خان - تربیت - متین السلطنه .

رد کنندگان (سه) نفر .

آقا شیخ اسمعیل - هشتروزی - آقا شیخ محمد خیابانی - دکتر حاج رضا خان صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای آقا میرزا قاسمخان مقابله شد .

جلسه ۲۶۰

صورت مشروح روز پنجشنبه (۱۷) شهر

جمید الاخری ۱۳۲۹

رئیس آقای موتمن الملك سه ساعت ونیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از یکربع مجلس رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز سه شنبه (۱۵) را آقای آقا میرزا رضاخان قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل - ناصر الاسلام - آقا میرزا مرتضی قلیخان .

حاج شیخ رئیس - حاج امام جمعه - بدون اجازه حاج محمد کریم خان - ذکاء الملك با اجازه غائب بودند - آقاسید محمد باقر ادیب نیمساعت از حضور در وقت مقرر تاخیر نمودند .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم در صورت مجلس ملاحظاتی داشتید ؟

حاج سید ابراهیم - در اینجا عرض کردم

که آیامراد از نظامنامه داخلی است یا چیز دیگری است مخبر هم گفتند بله مراد نظامنامه داخلی است نه اینکه گفته باشند مراد نظامنامه اجرای اصلاحات مالیه نیست .

رئیس - همینطور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی

هست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز شور اول قانون عتیقات - شور اول قانون جنگلهای راپورت کمیسیون بودجه راجع بوراث سیدحسن و میرزا اسمعیل مجاهد شروع میکنیم بشور اول در قانون عتیقات خاطر آقایان البته مسبب است که در کلیات این قانون مذاکره شده است در ماده اول هم شور اول بعمل آمد و بعد برگشت بکمیسیون این است که حالا از ماده دویم خوانده میشود و مذاکره میکنیم (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - اگر حفريات در املاك اشخاص واقع شود علاوه اجازه دولت صاحب اجازه باید استرضای مالك را هم تحصیل نماید .

آقامیرزا اسدالله خان - بنده مباحثه در